

آزادی ایران

بها: ۵ فرانك

بمهرن ۱۳۶۳

آزادیخواهان ایران متحد شوید!

مشکلات اجرای دموکراسی و آزادی ایران

۱ - ریشه‌های روابط غیر دموکراتیک در کجاست ؟

بد بختانه ما ایرانیان درد های فراوانی داریم . جد ازل در جانکاه بزرگ رژیم جمهوری اسلامی (ر.ج.ا) اگر خود خواهیها و اغراق گوئیها را کنار بگذاریم و نظری به واقعیت روابط در درون اپوزیسیون و نیروهای آزاد یخواه بیفکنیم ، شاید بجزرات بتوان گفت که ما ایرانیان در زمره فقیر مکررات ترین و در عین حال آسیب پذیرترین ملتها هستیم . غیر مکررات ترین زیرا با وجود اینکه اپوزیسیون ایران یسک درد اصلی و مشترک بزرگ دارد ، اگر نگوییم به صد ها میتوان گفت به ده ها گروه مخالف و متخاصم تقسیم شده است و هیچکس ولو بقیامت فد ا کردن جان هم حاضر نیست از مواضع " خد شهنایزیر " ، " غیر قابل تغییر " و " انقلابی " خود عقب نشینی کرده و بقیه در صفحه ۴

تازیانہ واقعینتها و بیداری خفتگان

آسیب پذیری و یا به خطر افتادن حیات يك ملت مانند آسیب پذیری يك بدن سالم هنگام مواجه شدن با میکربها و امراض مهلك خارجی است . همانگونه که اگر يك بدن سالم هنگام ورود و رشدن با بیماریها - از قدرت و مقاومت فیزیکی لازم برخوردار نباشد و از تجربیات علمی و پزشکی بهره مند نگردد ، از پایداری درمی آید . حیات يك ملت نیز در صورت عدم داشتن توانایی و مقاومت لازم و عدم نتیجه گیری و بهره وری از تجربیات تاریخی و علمی هنگام ورود و رشدن با مشکلات و خطرات داخلی و خارجی میتواند در معرض خطرات زیانبار واقع گشته و در جهت منافع قدرتهای سلطه گر خارجی مورد سوء استفاده و بهره برداری قرار گیرد . " انقلاب اسلامی " ۲۲ بهمن ۵۷ در واقع رویدادی بود که هوشیاری ، توان و مقاومت ملت ایران و کلیه مدعیان رهبری و روشنفکران را به آزمون گرفت . ولی افسوس ! ایران مانند گوهری گرانبها اما بی صاحب بعلمت غفلت مرد مورچه رانش بسادگی در اختیار کسانی قرار گرفت که کمر به نابودیش بسته بودند . مردی مذهبی خرافاتی و عقب ماند ما بتوسل جستن به تعصبات خشک مذهبی - برخلاف تمام بقیه در صفحه ۲

پرامون وضع پناهندگان سیاسی ایران

بیا تحمل و تقبل خطرات و مشکلات فراوان مجبور به تشرک و وطن شد ه اند . آنان هم اکنون در کشورهای مختلف جهان در محیطهایی که تفاوت بسیاری با فرهنگ ، آداب و رسوم و سنن ایرانی دارند در حال اقامت گزیده و بیانگراتی نسبت به سرنوشت ایران ، به یاد تمام عزیزان و به امید سرنوشتی هر چه زود تر رژیم جنایتکار خمینی و برقراری آزادی و دموکراسی روزگار را می گذرانند . از آنجائی که رژیم جمهوری اسلامی حتی بقیه در صفحه ۳

ما تمکد ه خاک سزاوار وطن نیست
چون سیل از این خاک بشیون بگریزد
صائب تبریزی

از هنگامی که آمدن رژیم جمهوری اسلامی تا به امروز صد ها هزار تن از هموطنان ما از کشور جلای وطن کرده و در یار غربت را علیه غم میل باطنی خویش برای زندگی برگزیده ه اند . بسیاری از آنان با وجود علاقه و وابستگی شدید به آب و خاک خانواد و تمام عزیزان با قلبی آکنده از درد

تازیانه واقعیتها و...

تجربیات پرارزش علی در تاریخ جهان در مورد جدائی مذهب از سیاست و ولتد توانست یاد خالت دادن مذهب در سیاست سرنوشت ملتی را بیازی بگیرد . البته "تنوری" مذهبی - سیاسی آقای خمینی در باره "انقلاب اسلامی" تفکر تازه ای نبود که بوسیله وی ارائه شد باشد ، قدرتهای بزرگ استعماری و سلطه گرد رطی در قرن گذشتها را از چنین حره ای برای تفرقه افکندن و به زیر یوغ در آوردن ملتها استفاده نکرد بودند . روی کار آمدن رژیم "جمهوری اسلامی" نیز ادامه همان سیاستها و همان روشهای گذشته تکرار شد بود . اما "روشنفکران" و "انقلابیون" که خوشبختانه برخلاف مردن آگاه و ساد طوح ایران از "آگاهی" ، "پیشرفتگی" و همچنین "جهان بینی علمی" برخوردار بودند ، در هنگام روی کار آمدن رژیم اسلامی چه گفتند و چه کردند ؟ آنان "انقلاب اسلامی" و ضد امپریالیستی " را در ردیف انقلابهای بزرگ تاریخ قرار دادند که بارهبری "داهیان" " امام خمینی " و " حمایت تودهای عظیم" توانست در پناه اسلام و رژیم اسلامی آزادی در مکراسی و استقلال را در میهن ما مستقر سازد .

در حالیکه اگر ما همین منطق را در مورد در گرونی های منفی دیگر در تاریخ بکار ببریم میبایست ظهور رایش سوم در آلمان و موسولینی در ایتالیا را در رایش انقلابهای باشکوهی " بنامیم که اتفاقاً از حمایت تودها چند میلیونی " نیز برخوردار بودند .

فرق اساسی آیت الله خمینی با هیتلر و موسولینی در اینست که تخصص آقای خمینی تنها در حفظ قرآن و خواندن نماز و روزه و عاومناجات بود ، و پایگاه تمام اعمال و اندیشه های بر اساس مذهب و

اصول غیر قابل تغییر دینی که ریشه در ۱۴۰۰ سال گذشته دارد ، برقرار شد هاست . طرز تفکری که خواهی نخواهی آقای خمینی را در مسیری قرار داد که قدرتهای سلطه گراز ایشان برای دریند کشیدن يك ملت استفاده کرد هاند . در این میان برخی که همواره مبارزات حق طلبانه ، انقلابی و مکراتیک را در تاریخ نفی میکنند از فرصت استفاده کرد هویا ارائه نموده "انقلاب اسلامی" کلیه انقلابهای مترقی و مکراتیک تاریخ را - حتی انقلاب کبیر فرانسه و تمام نتایج حاصله از آن رلبه زیر سوال کشید هاند . اما برخلاف تبلیغات وسیع در ایران و خارج از ایران که "انقلاب اسلامی" را یک انقلاب تمام عیار جلوه میدهند ، "انقلاب اسلامی" یک انقلاب نبود . فریب یک ملت و بازگشتی به عقب بود که برای به اجراء آوردن آن دو د هه بر نا مریزی و سرما یه گذاری کرد ه بودند ولی آیا میتوان این حقیقت را دید و کتمان نمود ؟ بسیاری از افراد ، گروهها و سازمانهای که با طرفداری از رژیم ر بوجود آوردن جمهوری اسلامی نقش موثری را ایفا نمودند ، آیا میتوانند با " زیرکسی" یک سیاستمدار " که نه کارا زکار این حقیقت تلخ بگیرزند و اشتباهات جبران ناپذیر خود را پنهان کنند ؟ و آیا هنگامیکه واقعیت رژیم اسلامی مانند تازیانه ای بر سر و روی مردم فرو کوید همیشه میتوان از مردم خواست که گذشته ها را فراموش کنند ؟

بجاست آن دسته از روشنفکران و نیروهای که خود بیش از هر کس دیگری موضع گیریهای غلط گذشته خود را میداند ، آنها را بر شمرده و بیاد انتقاد گیرند ، برای حل مسایل از طریق صحیح راه حل دیگری وجود ندارد ولی مسلماً آن کسانی که با تمام قوا تلاش میکنند حقایق را بپوشانند و تنها به منافع شخصی گروهی و سازمانی خود میاندیشند و اصل مسئله یعنی آزادی ایران را فراموش کرد هاند با جبر زمان و فشار واقعیتها از

گرد و نه خارج خواهند شد .
 با فرارسیدن ۲۲ بهمن یکبار دیگر تاریخ مانند آن ناقوس بلند و گوش خراش در گوشها زنگ میزند . شاید خفتگان از خواب گران برخیزند ! □

بقیه نگاهی بر مطبوعات . . .

راس همه مجاهدین یا اتحاد تاکتیکهای متناسب ، پرد ههای ضخیم عوام فریبی خمینی در ماجرای گروگان گیری را در همه زمینه ها کنار زد . و با تحمل رنج و خون به مردم آگاهی دادند که هر سگی که در یک جاپشت امپریالیستها زوزه کشید ، ضد امپریالیست نیست ."

موضع جدید مجاهدین در مورد مسئله گروگان گیری و بیان صحیح این امر که هدف از گروگان گیری گام برداشتن در جهت ایجاد دیکتاتوری مطلق العنان در کشور بود ، موضعی درست و واقع بینانه است و جای بسی خوشحالی است که آنان اکنون توانسته اند ، به این نتیجه برسند . البته بسیاری رجا و ضروری است که رهبری مجاهدین خلق که هم در باره موضع گیریهای گذشته چند ان در ورد هنگام اشغال سفارت آمریکا بوسیله " دانشجویان پیرو خط امام" توضیح دهد . آنان در آن زمان بارها از " اقدام ضد - امپریالیستی اشغال لانه جاسوسی آمریکا از جانب دانشجویان " قدر دانی نمود ه و ابراز کرد ه بودند " گروهی از دانشجویان قهرمان موفق به تسخیر سفارت آمریکا شدند . از آنجائیکه آقای مسعود رجوی چندی پیش در رابطه با مسئله جنگ به نکاتسی از موضع گیریهای اشتباه آمیز گذشته اشاره نمودند ، اکنون جز این نمیتوان انتظار داشت که در مورد مسئله گروگان گیری همه مواضع قبلی رهبری سازمان همانگونه که بود مبرخورد روشن نمایند . □



پرامون وضع پناهندگان سیاسی ایران

ابتدائی ترین حقوق بشر را نقض نموده و ایران را به زندانی بزرگ مبدل ساخته است، آزاد یخواهان، مبارزین و مخالفین و حتی افراد عادی هیچگونه تاملی برای ادامه حیات ندارند. بهمین جهت تعداد فراریان از جنگ رژیم روز بروز افزایش مییابد. و از طرفی بسیاری از مسافرینی نیز که از ایران خارج میشوند از برگشت به کشور منصرف میگردند. موج خروج ایرانیان از کشور بخصوص پس از درگیریهای خرداد ۳۶۰ (که جاسوسان رژیم به شناسائی پیگرد، دستگیری، زندانی نمودن و اعدام هر چه بیشتر مخالفین پرداختند، ابعاد وسیعتری را به خود گرفته است. همچنین به علت جنگ خانمانسوز ایران و عراق که اعزام جوانان و جوانان نیز به جبهه های مرگ اجباری شده است، بسیاری از خانواده ها فرزندان خود را راهی دیار غربت نمودند و با بسیاری از جوانان به دلیل فراهم نبودن امکانات تحصیلی روانه خارج گردیدند. در واقع علت اساسی وجود پناهندگان سیاسی ایرانی در خارج از کشور در این سطح خود از وجود چنین رژیمی که در طول تاریخ همتایی نداشته است، ناشی میشود. همانگونه که ادامه جنگ خانمانسوز ایران و عراق، اعزام اجباری کودکان به جبهه های جنگ، بمباران و قتل عام مردم مهران کردستان، سرکوب آزادیها، شکنجه و... همه و همه را رژیم خمینی باعث گردیده است.

مشکلات پناهندگان سیاسی

بسیاری از ایرانیان آزاد مباترک ایران وقد مگذاردند در راهی با آیند های نامعلوم، برای ادامه مبارزه و بازگشتن در محیطی آزاد و دموکراتیک، در بند ریها، آوارگیها

و مشکلات مختلف را به جان خریدند. برخی از آنان برای خروج غیرقانونی از کشور علاوه بر پرداخت هزینه های سرسام آور با مصائب بیشماری از جمله خطرس دستگیری یا کشته شدن هنگام فرار دست عوامل رژیم و یا خطر تحویل از جانب برخی دولتها به رژیم ایران روبرو بودند. برخی دیگر بدلیل نداشتن ویزا و حق اقامت در کشورهای مختلف ماهها با دلهره و تشویش در انتظار گرفتن ویزا بسر بردند و مسافرت فراوان در این زمینه مواج شده اند و بعد از گذراندن این مشکلات همسراه تعداد کثیری از هموطنانمان بعنوان پناهند سیاسی در کشورهای مختلف جهان اقامت گزیدند. بسیاری از این پناهندگان اکنون در وضع بسیار اسفباری قرار داشته و با مشکلات فراوانی دستگیر میباشند که همگان کم و بیش از این مشکلات آگاه بود و با آن روبرو میباشیم. مسائلی که در کل پناهندگان سیاسی با آن مواجه میباشند عبارت است از: مشکلات مادی و همچنین فشارهای شدید روحی و روانی و نداشتن مسکن که نمونه های فراوانی را در این مورد شاهد کردیم. از جمله خانواده هایی بودند که همراه فرزندان خردسال خود در زمستان سرد بدلیل برخورد اربابان از مسکن و ماوایی بسیاری خواب، در بند ریها کشیدند و ناچار احتیجای زیادی را متحمل شدند و با برخی دیگر مجبور شدند که شب ها را تا صبح در خیابانها بسر ببرند. مثالهای دیگری وجود دارد از جمله اینکه در مواردی چندین تن با هم در اتاقکهای کوچک که بسختی و زحمت به آنان اکسیژن میرسد، روزگاران می گذرانند و با برخی دیگر مجبورند در مساکنی که از نظر زندگی غیر قابل تحمل

است یا حداقل امکانات از نظر تغذیه بسر ببرند که در بعضی مواقع به بیماریهای مختلفی دچار میگردند. نداشتن پوشاک گرم، دارو، دکتر، مشکل زبان، نداشتن راه و رسم پناهندگی، مشکل پیدا کردن که گاه ماهها باید در جستجوی پیدا کردن کارسختیهای فراوان را تحمل کنند و نداشتن اجازه کار و مهمتر از همه در کشوری بیگانه تنها بودن کس بودن، فشارهای شدید روحی و روانی را متحمل شدن و یا مواجه با روابط نژاد پرستی گردیدن و... اینها تنها گوشه کوچکی از مشکلات پناهندگان سیاسی میباشد. از طرفی کهکهای کشورهای مختلف نیز که پناهندگان را بر طبق قوانین کنوانسیون ژنوید برآوردند محدود میباشد و بخصوص، به علت کثرت تعداد متقاضیان مدت رسیدگی به پرونده ها اغلب طولانی میگردد که در این مدت متقاضیان باید با دلهره در انتظار جواب رد و یا قبولی پناهندگی شان بسر بردند و گاه اگر اطلاعات صحیح، مکفی و لازم برای درخواست پناهندگی ارائه ندهند بعد ها با مشکل رد تقاضای پناهندگی روبرو خواهند شد.

اپوزیسیون و پناهندگان

و اما ببینیم در این میان نقش گروهها، سازمانها، نیروها و شخصیتهای مختلف درون اپوزیسیون در یاری رساندن به هموطنان در ردمند و آواره چیست؟ هموطنان که خواستند و نتوانستند در محیط خفقان آور بسر بردند و یا به دلیل شناسایی و تحت پیگرد قرار گرفتن از جانب رژیم برای ادامه مبارزه و زیستن در محیطی آزاد از جنگ رژیم گریخته اند و اکنون بعنوان پناهنده با

بقیه از صفحه ۱

مشکلات اجرای دموکراسی و آزادی ایران

حرف طرف مقابل و در عین حال هم‌جبهه خود را گوش کند. گوش همگی دشمنان طبقاتی و سرسخت و ابدی هم هستیم. هر کسی خورجینی پراز فرهنگ لغت "نقلی" را آماج و حاضر ارد تا بمحض روبرو شدن با کوچکترین موضع‌گیری و یا نظر مخالف حریف را با سبلی از کلمات قصار مانند: اپورتونیست، لیبرال، لیبرال آمریکائی، تودهای، سلطنت طلب، ارتجاعی، خائن مزدور، ضد خلقی، ضد انقلاب و... از پای در آورد. و آسیب پذیر باین دلیل که همین غیرد مکررات بودن ما را سخت شکنند هرگز نداشت. تنها کافی است با مرور زمان کمی با واقعیت‌های تلخ روبرو شویم، آنوقت است که با کوچکترین فشاری در هم خرد خواهیم شد. آیا حقیقت جز اینست؟ تاکی حقایق را در زیر شعارهای زیبا پنهان کنیم؟ امروزه هنگامیکه مردم در تمام جهان ندای دموکراسی و آزادی خواهی سر میدهند و ملت ما در زیر یوغ رژیمی مذهبی فاشیستی بیش از هر زمان دیگری خواهان آزادیهای دموکراتیک است، آیا بجان نیست که بخود آقیمود رجعت مبارزه برای سرنگونی رژیم را در یوارهای غیرد مکرراتیک را در هم فرو ریخته و در جو و فضای آزاد خارج از کشوری درمان در دها ببرد ازیم؟ تا زمانیکه ما ایرانیان نتوانیم اصول دموکراتیک را در بین خسود پیاد کنیم و دست از خشک اندیشی و تعصبات و دگم‌گرائی‌های "چپ" و راست برننداریم، چگونه خواهیم توانست فرود این دموکراسی را در ایران برقرار نمائیم؟ ممکن است پرسید شود که بسیار خوب رعایت دموکراسی خیلی عالی است، هیچکس هم منکر آن نیست ولی دموکراسی را چگونه میتوان اجرا نمود؟ برای جواب دادن به

این پرسشها در ابتدا باید ببینیم که کدام عوامل موجب شد تا ما نتوانیم حتی در شرایط مساعد خارج از کشور نیز با ایجاد یک فضای سالم و دموکراتیک بین خود اقدام کنیم به طوری که همین مسئله باعث گردد تا گاهی اوقات با چوب و جناق و جنگ و ندادن بجای هم افتیم؟ ریشه‌های برخورد های کنونی در کجاست؟ آیا مشکلاتی که ما ایرانیان امروز با آن روبرو هستیم ریشه در رازنده دارند؟ آیا ما چوب روابط اشتباه آمیزی که در طی بیش از نیم قرن گذشته جنبش‌های ملی، مترقی و چپ با آن روبرو بود هاست را نمی‌خوریم؟ آیا شکست بزرگ نیروهای آزادی خواه، ملی و مترقی در مدت ۶ سال پس از روی کار آمدن ر.ج. ۱۰ ناشی از آن نبود که این نیروها روابط درونی خود را نه بر پایه اصول دموکراتیک بلکه بر پایه روابط فئودالی، دنیاله‌رویه‌های شخصی، تبعیت کورکورانه، الگوبرداری، باند بازی و گروه‌گرایی استوار کرده‌اند؟ و آیا همین مسایل باعث نگردید که جوانان، روشنفکران و رهبران ما با وجود برخورد اریسودن از تشویرها و شعارهای بسیار انقلابی "اما غیر واقع بینانه‌واید ه‌آلیستی نتوانند در مقابل دشمن خونخوار مقاومت کنند؟ آیا آنها کیفیت را فدای کمیت نکردند و کوشش نمودند تا با هر "تدبیر" و "سیاستی" که شد هرگز کسری را بد و خود جمع کنند، احزاب، گروهها و سازمانهای مختلف بس وجود آورند و تظاهرات چند صد هزار نفره را برپا کنند؟ و طی نتیجه تمام این کوششها چه شد؟ آنها مسخرانیه‌ها، جلسه بحثها، انتقادات اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، مقالات و تترها و تشویرها چه برآورد؟ چه آرزوها و سوداهائی که بیک یورش ناگهانی برپا رفت وجه جوانان مبارز و دلیری که سینه‌هایشان آماج گلوله‌های رژیم قرار گرفت و وجه دل‌های که در سوگ یاران و عزیزان به صفت از دست رفته‌ها ماتم‌نشد؟

و در پایان کدام نیروها با بهره‌مند شدن از "خطاهای" جبران ناپذیر پیروز شدند؟ و آیا ما از این بهره‌مندی‌ها و رویدادهای اسف بار عبرت می‌گیریم و نتیجه‌گیری می‌کنیم؟ با بررسی تاریخ معاصر ایران بخصوص پس از انقلاب مشروطیت این نکته را نمیتوان از نظر دور داشت که متاسفانه بجز در آنها کوتاهی‌ها و گذر، ملت ما هرگز فرصت کسافی نیافت تا از آزادی‌های دموکراتیک بهره‌مند گردد. این نقطه ضعف بزرگ و عدم وجود پیگیران نیروها و عوامل مثبت و مترقی که بتوانند از سقوط کامل یک کشور جلوگیری کنند و کشتی طوفانزدای ایران را بساحل پیروزی برسانند، همراه با سنتهای منفی و تاثیر روابط فئودالی و منسوخ فئودالی و باز دارندگان از آن علل اساسی است که در گسترده‌ترین شکل خود چون در ملی‌چرکین بصورت ر.ج. ۱۰ سرپا زکرده و با بعصره وجود گذاشته‌است. اما بزرگترین مسئله در جامعه ایران همانا عدم وجود آزادی‌ها و دموکراتیک بودن است که موجب گردید یک ملت ۴۰ میلیونی بسادگی و بدون مقاومت بوسیله شخصی مذهبی، بی‌خرد و عقب‌مانده - که سالها مورد استفاده و آلست دست‌انگاز کنندگان سیاسی بود ه‌است - فریب خورد و شرف ملی، حیثیت و غرورش بی‌بازی گرفته‌شود.

۲ - چه رابطه‌ای بین دموکراسی

و اندیشه صحیح وجود دارد؟

وقتی از اندیشه صحیح سخن می‌گوئیم منظور چیست؟ آیا منظور یکسری اصول کلی و فرمول‌هایی است که در باره مبارزات گذشته جهان برشته‌تحریر در آمد تا ما بتوانیم حفظ کردن و با الگوبرداری از آن مشکلات عدیده جامعه ایران را حل کنیم؟ یا اندیشه صحیح یعنی طرح نمودن یکسری برنامه‌های بسیار زیبا و اید ه‌آلیستی، کلی



بقیه مشکلات اجرای مکرسی و . . .
 وگلیشهای د ر باره جامعه آیند ه ایران بعد از خمینی ؟ (که البته میتواند د سراسر جهان مانند رهنمود ی سحر آمیز بکار رود و آزادی ، عدالت اجتماعی ، صلح سوسیالیسم^{لیسم} ترقی و شکوفائی ر ا برای بشریت به ارمغان آورد) یا اینکه منظور یکسری شعارهای چشمگیر مانند مرگ بر خمینی ، مرگ بر آمریکا ، مرگ بر سلطنت طلبان ، برقراری جمهوری شورائی ، زند هباد انقلاب ، مرگ بر ارتجاع ، زند هباد سوسیالیسم ، کارگران سراسر جهان متحد شوید ! . . . میباشد و آیا اگر اینها اندیشه صحیح راتشکیسل میدهند میتوان بوسیله شان مشکلات بشماری که اپوزیسیون ایران با آن روبرو است ، حل کرد ؟ منظور ما هیچکدام از مطالب فوق نیست . منظور ما از اندیشه صحیح ، آن تفکر و اندیشه ای است که تنها از درون واقعیتهای ایران بیرون آمده و متکی بر آن واقعیتها میباشد . اما این تنها کافی نیست . اندیشه صحیح میبایست راه خود را د مقابلها افکار ، نظرات و عقاید گوناگون باز کرد و ه خود را بکرسی بنشاند . آیا این بد ان معنی است که میتوان این اندیشه را مورد نقد و انتقاد قرار داد ؟ جواب مثبت است . زیرا احقانیست یک نظری د رست تنها د برخوردار کردن با سایر افکار و اندیشه های غلط و انحرافی است که عیان میگردد . بدین ترتیب تا ما فضای مناسب ود مکراتیکی بوجود نیاریم که اندیشه ها و نظرات صحیح و غلط د مقابل هم خود را مطرح کنند ، امکان پذیر نیست که بتوانیم کوچکترین قدمی را د رحل مشکلات فراوان کنونی برداریم . البته د ر شرایط مشخص ایران که رژیمها ایجاد جوخفقان به سرکوب کردن کلیه آزاد یهای د مکرراتیک برداخته ، امکان برخوردار چنین امری بهیچوجه موجود نیست و عوامل حزب الله با زور اسلحه و سرنیزه هرگونه بر خور د

اندیشه ها را از بین برد ، بطوریکه ایران بصورت یک زند ان بزرگ د رآمد ه و فضای مرگ باری وطن ما را د ر بر گرفته است . حال د ر شرایط د مکرراتیک خارج از کشور از جمله د ر فرانسه مردم نتوانسته اند با مبارزات ۲۰ ساله خود پس از انقلاب کبیر فرانسه شرایط لا زم را برای برخوردار اندیشه ها بسوجود آورند . آیا ما ایرانیانی که از جنگ رژیم فاشیستی - مذهبی گریخته ایم ظرفیت چنین محیط و شرایطی را داریم ؟ آیا برای ما حیرت آور نیست که بینیم یک نماینده حزب کمونیست فرانسه با برخی از دست راستی ترین گروهها د ر مقابل مردم مباحث و گفتگو میبرد از ند ؟ هم اکنون چندین هفته است که طرفداران اکثریت (جریان کشتگر) به "سپه" کسوی دانشگاه پاریس مراجعت می کنند و میخواهند د رمیان سایرین به تبلیغ نظرات خود بپردازند . با وجود گذشته مشخص آنان و همکاری و شرکتشان د ر جنایات رژیم چه میشود که آنان هم به تبلیغ نظرات خود بپردازند ؟ آیا این امر موجب میگردد که حقانیت ود رستی مواضع افراد و گروهها مخالف و آزاد یخواه مخطرفاقتد ؟ و یا برعکس شاید این رویارویی موجب گردد تا بسیاری از مواضع غلط و نادرست روشن تر و آشکار تر شود ؟ د وستان و رفقای سپه از چه میترسند ؟ بگذارد خوب ، زشت و زیبا د ر کنار هم قرار گیرد و بگذارد مردم به قضاوت بنشینند ! آیا این برخوردار موجب میگردد که صف انقلاب و ضد انقلاب مخصد و ش گردد ؟ طرفداران کومهله د ر خارج از کشور با صد و اعلامیه ای تحت عنوان " د ر مقابل هر حرکتی د ر جهت بستن قطعسی "سپه" (کوی دانشگاه پاریس) بایستیم میگوید : جمعه ۱۱ / ۱ / ۸۵ عده ای از عناصر جریان منشعب از اکثریت ، معروف به کشتگر ، قصد ورود به سپه و تحمیل خود به جمع معینی از نیروها کردند که هر هفته

جمعه ها د ر این مکان جمع میشوند . . . اینها وابسته به باندی هستند که دستش تا مرفق به خون کمونیستها و انقلابیون ایران آغشته است و تا د ر یروز دست د ر دست عمل جمهوری اسلامی به شکار انسان میبرد اکت . . . د ر چنین شرایطی عقل سلیم حکم میکند که از اشکال سیاسی طرفدار این جریان استفاده نشود ، تا یکبار دیگر با ایجاد اغتشاشی جدید امر با زنگشائی سپه موکول به محال نشود . " قبلا طرفداران حزب کمونیست ایران د ر مورد " واقعیت" و د رگیری با سلطنت طلبان نیز بیان کرده بودند : " انقلابیگری سطحی و آنارشیسم خود را از طریق تن دادن به یک د رگیری فیزیکی به نمایش گذارد . حرکتی که نتایج زیانبارش را د ر اختلال د ر کار تبلیغ رسیده ود ان مستمسکی واقعی به مسئولین سپه . . . نشان میدهد . د ر مورد سپه بایست توجه کرد که اولاً سپه نه یک ارگان توده ای است نه یک منطقه آزاد شد ه و نه یک جمهوری د مکرراتیک انقلابی ، بلکه محلی است که از نظر حقوقی هر نیروی و نه فقط ایرانی میتواند د ر آن به بیان آزادانه عقایدش بپردازد " (اعلامیه د ر مورد سپه ماه مه ۸۴) این موضع گیری صحیح و بسیار واقع بینانه سازمان هواداران حزب کمونیست ایران د ر خارج ، قابل ارج و تحسین است و بجاست کلیه گروهها و افراد د ر سپه کوشش کنند تا سپه از دست نرود . این امر تنها از طریق اجرای مکرسی و برخوردار اندیشه ها و نظرات مختلف و متضاد امکان پذیر است . بگذارد ایرانیان بدون د ر نظر گرفتن ایدئولوژی ، مرام ، طبقه ، مذهب ، وابستگی گروهی و حزبی بتوانند حرف خود را بزنند ! بگذارد حقیقت دریکی جود مکرراتیک عیان گردد د مردم خود تشخیص دهند که حق یا کیست و ناحق کدام است ! اگر فرد اعضای کمیته مرکزی

مشکلات اجرای ...

حزب نود مخواهند بهسپه بیایند بگذار چنین شود! اگر سلطنت طلبان آمدند چه باک! آیا ما از آنان میترسیم؟ یا ما هم مانند رفسنجانی آن اندازها مخالفین عقیدتی و سیاسی خود باک داریم که مانند یک "جنس" یا "جذامی" باید به آنها برخورد کرد؟ چرا باید مشتق قلیل از تفرقه افکنان و دشمنان آزادی و دموکراسی ما ایرانیانی که به هیچ جا و هیچ مقامی وابسته نیستیم و تنها گناه ما اینست که دل در گرو آزادی ایران و دموکراسی بسته ایم، تا این اندازها زیکدیگر دور کنند تا بمحض اینکه نگاهمان به جمهوری ایران می افتد از هم بترسیم و روی برگردانیم؟ باید سدها را شکست و زنجیرهای را که خود بدست و پایمان بسته ایم، پاره کرد. مطمئناً با "تمرین دموکراسی" البته نه شعاری و توخالی بلکه در عمل و گمراهی ها، انحصار طلبی های گروهی و شخصی، الگو برداری ها و نیالیه رویه ها تخفیف پیدا کرد و آزاد اندیشی و اندیشیدن مستقل رواج یافته و آزادخواهان ایرانی که اکثریت عظیم ایرانیان آواره و دردمند را تشکیل میدهند یکدیگر را در خواهند یافت.

۳- مسئولیت خطیری که متوجه

ماست

گاهگاهی بخصوص در میان برخی از روشنفکرانی که سالیان درازی را در خارج از کشور گذرانده اند بیان میشود که "صحنه اصلی مبارزه در ایران است" و "هر کسی که واقعاً میخواهد با رژیم مبارزه کند باید به ایران بازگردد". این طرز تفکر متأسفانه بغایت ساده لوحانه و بدون مسئولانه است آنان اگر خود در شرایط اختناق آمیز ایران بسربردند و با گوشت پوست خود فاشیسم مذهبی و سرکوب و کشتار

ارتباط اسرائیل با جتهای خمینی

با کمک یک خلبان فراری ایرانی ، متخصصین آمریکائی و عربستان سعودی به این نتیجه رسیدند که اسرائیل منبع اصلی تهیه لوازمی که برای هواپیما های جنگنده فانتوم ۴۰۴ ایرانی ، ساخت آمریکا بود است . قضیه بدین قرار است که سال گذشته پس از آنکه خلبان فراری در عربستان سعودی با هواپیما ی جنگنده مبرزمیستایی نشینند ، تکسینهای سعودی به جدا کردن هواپیما ی جت فانتوم پی بردند و شماره های سریال برخی از لوازمی که مهم را ثبت میکنند . بر طبق منابع عربی متخصصین اطلاعاتی توانستند منبع اصلی لوازمی که را پیدا کنند . آنان کشف نمودند که بسیاری از این لوازمی که (ساخت آمریکا) در اصل به اسرائیل فروخته شده

بود . بعضی از لوازمی که در یگر قبلاً بوسیله یونان و سایر کشورهای عضو ناتو خریداری شده بود . این تحقیق ، در هنگامیکه آمریکا در سه سال گذشته فروش سلاحهای نظامی را به ایران ممنوع کرده بود ، معماری چگونگی بدست آوردن لوازمی که هواپیما ها و همچنین کانال ارتباطی که ایران از آن استفاده میکرد ، را حل کرد . و این شایعه در از مدت راتائید نمود که اسرائیل یک صادر کنند فعال اسلحه میباشد که بطور غیرمجاز سلاحهای گوناگونی را به رژیم خمینی فروخته است . شایعاتی که قبلاً از طرف دولت های پیشین اسرائیلی تکذیب شده بود ، اما بهیچوجه نتوانستند کسی را قانع کند . □

نیوزویک - ۲۸ ژانویه ۱۹۸۵

"صحنه اصلی مبارزه در ایران است" خود نوعی شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت خطیری است که در شرایط دموکراسی خارج از کشور برای رشد دموکراسی و یابی به اندیشه صحیح و سازماند همسوی و تشکل بر علیه رژیم جمهوری اسلامی لازم و حیاتی میباشد . مسئولیت خطیری یعنی داشتن حس عمیق وظیفه شناسی در بهره برداری از شرایط دموکراتیک خارج از کشور برای دست یابی به اندیشه صحیح و روش علمی برای آزادی ایران!

بگذارند این راهی که در مقابل ما قرار دارد قدم بگذاریم ، بگذار تا گلهای گلستان دموکراسی شکوفان گردد ، دور نیست آن زمانیکه آزادخواهان ایران بیاخیزند! □

جمشید آریانپور

آزادخواهان و مردم را لمس میکردند ، آنکه بی میبندند که تا چنانچه از اشتباه میکنند . آنها در عین حال این مسئله مهم را درک نمیکنند که قریب ۸۰ سال تلاش آزادی - خواهان ایران بعلت عدم برخورداری از یک تفکری صحیح ، روشن و علمی از یک شکست به شکست دیگری منتهی گردیده است . و دست پیدا کردن به تفکری صحیح و روش علمی در شرایط اختناق آمیز ایران غیر ممکن است . بنابراین تمام توجه بسوی اپوزیسیون خارج از کشور معطوف میگردد . بیهوده نیست که مبارزات و برخوردها و موضع گیریهای صحیح آید ثلوثیك و سیاسی در خارج از کشور میسر است . و هسته سیاسی آید ثلوثیك اکثر گروهها و سازمانها در خارج از ایران مستقر میباشد . بیان اینکه

جنگ قدرت بر سر تصویب مالیاتها

پس از مدتها بحث بر روی پیش نویس لایحه مالیاتهای مستقیم، مجلس جمهوری اسلامی این لایحه را تصویب نمود. سقوط قیمت نفت از یک طرف و مشکل صد و نفت در بازارهای جهانی از طرف دیگر به گونه اقتصاد کشور - که تنها به فروش نفت متکی میباشد و این وابستگی در این چند سال اخیر بیشتر شده - لطمه زیادی وارد نمود. بنا بر اظهارات مسئولین کشور کسری بودجه ۴ میلیارد دلار رسیده که البته رقم حقیقی کسری بودجه پیش از این مقدار میباشد. دولت از یک طرف برای جبران کسری بودجه خویش و از طرف دیگر برای تحت فشار قرار دادن بخش خصوصی و جناح طرفداران این بخش در رد رون حکومت هر چه بیشتر ضرورت گرفتن مالیاتهای مستقیم از مردم تاکید نمود. محمد تقی بانکی وزیر برنامه بودجه در این رابطه چنین میگوید: "موضوع مالیات نیاز است یعنی اگر حکومت اسلامی نیاز داشت برای حسن اداره کشور و انجام وظایف حکومت اسلامی میتواند مالیات وضع کند و موضوعش فقط نیاز است" (کیهان ۱۰/۱/۳۳) همچنین دولت با منتقل کردن مخارج و هزینههای جنگ، "امنیت کشور، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و... به دوش مردم تصمیم دارد این کسری بودجه را کاهش دهد. بانکی در سمینار بررسی وصول و مصرف مالیات مشاغل نیز بیان کرد که: "برای هزینههای دفاع، حفظ نظم و امنیت بعد از سال ۱۴ میلیارد تومان لازم است و برای هزینههای آموزش فنی و عمومی و عالی ۱/۴ میلیارد هزینه به دست و درمان ۴ میلیارد تومان و تامین اجتماعی ۵ میلیارد تومان و فرض کنیم هزینه بقیه بخشها توسط خودشان تامین گردد.

جمع مبالغ فوق ۳۵۳ میلیارد میشود و این هزینه برای اینکه کشور اقتصاد سالمی داشته باشد باید از درون مالیاتها تامین شود و با این فرض یک حساب ساده نشان میدهد که بطور متوسط باید سالانه ۱۷۸ درصد به مالیاتها اضافه شود. (اطلاعات ۱۵ دی ۶۳)

اما از طرف دیگر گروهی از روحانیون و نمایندگان مجلس که میتوان گفت همگی در یک صف بند ریطور کلی طرفدار بخش خصوصی و تجارت آزاد میباشند چون متوجه شده بودند که تصویب این لایحه میتواند منافع آنان را نیز به خطر اندازد به مخالفت با این لایحه برخاستند. محمد باقر آخوند بعنوان مخالف، خطری این لایحه را بیشتر از خطر آمریکا و شوروی دانست و بعد خدای این نماینده مشهد طرح مالیاتی جدید را بدتر از سابق دانست.

(تاکید از نویسندگان)

های خامنه‌ای رئیس کمیسیون امور اقتصادی و دارای مجلس ضمن اشاره به نظریات این گروه مخالف چنین گفت: "مشکلاتی در زمینه‌های سیاسی وجود دارد که گروهی معتقدند درآمدهای آزاد و افزون گذشته همچنان پایرباشد که چنین تفکری مورد تأیید اسلام نیست. در اسلام تمامی مسائل تأمین و هزینه درآمدها محدودی دارد این اعتقاد از سوی افرادی که توجیه‌گران میباشند حمایت میشود و این قشر بر سر پرداخت مالیات و احرای مسائل وصول مالیات و یاد زمینه‌های قانونی و تدوین قوانین مشکلاتی ایجاد میکنند که این امریک ساله سیاسی است و آنها را رجعت فلج کردن دولت تلاش میکنند."

دکتر نمازی نیز یکی از موافقان در رابطه با

مالیاتها را یکواخت نبودن دیدار روحانیت دانست. بطور کلی میتوان گفت که دیدگاه در مورد مالیاتها در رد حکومت وجود دارد. دیدگاه اول که رئیس مجلس نخست وزیر، رئیس جمهور و عده زیادی از نمایندگان سرسختانها از آن فایده میکنند به مالیات نقش عمدی در تامین هزینههای جاری و عمرانی میدهد و معتقدند که منبع مهم که دولت بتواند امکانات مورد نیاز کشور را فراهم کند مالیاتها هستند. هم چنین بنظر اینان مالیاتها را باید بیشتر از مشاغل بازاریان بخش خصوصی گرفت تا بتوان اتکالی بودجه را به نفت کاهش داد. موسوی در این زمینه چنین میگوید:

"مسئله مالیات و اصولا مسائل اقتصادی برای ما جز مسائل پراهمیتی است که سرنوشت انقلاب به آنها بستگی تام و تمام دارد... درد دولت مطرح شد در رسیدن مالیاتها را بالا ببریم تا توجه به اینکه مالیات که از حقوق گرفته میشود چند برابر مشاغل است... در همین چند سال نزدیک ۱۵ میلیارد ریال حقوق پرداخت شده است و در حالیکه از مشاغل تنها ۱۶ میلیارد ریال مالیات گرفته ایم" و هراتی نماینده مجلس نیز چنین بیان میکند: "در سال ۶۲ بخش خصوصی ۲۸۰ میلیارد تومان درآمد خالص داشته است و فقط ۲ میلیارد تومان مالیات دارد است، یکی از اساسیترین راههای جلوگیری از تورم این است که از طبقات مرفه مالیات اخذ شود."

(اطلاعات ۱۲ دی ۶۳)

اما دیدگاه دوم معتقد است که این لایحه از نظر اسلامی شرعی نیست و مردم فقط موظف به دادن خمس و زکات هستند و نمیتوان از آنها به زور مالیات گرفت مگر در

پرامون وضع پناهندگان...

انبوه مشکلات در چهار گوشه جهان آواره و سرگردان میباشند. متاسفانه باید اذعان نمود (در پاریس) سازمانهای معدودی وجود دارند که به یاری پناهندگان بپردازند. از جمله میتوان از "جامعه‌های دفاع از حقوق بشر" که در حد توان خود بدین امر مبادرت میورزند و همچنین انجمن همبستگی بین-المللی "برای دفاع از حقوق مکرانیک مردم ایران" که با شروطنی برای حل مشکلات برخی از پناهندگان اقدامی نماید، نام برد. واقعیات تلخ و دردناک بشمار پناهندگان نمایانگر این امر است که در بین بسیاری از گروهها و سازمانها و... منافع گروهی و تشکیلاتی دست و پای آنان را بسته و روابط غیر مکرانیک موجود مانع از خدمت، کمک و لاسوژی و یاری رساندن به هموطنان آواره میباشند و اگر کمکهای بهرخی از پناهندگان صورت میگیرد، مشروط بدین امر است که این افراد عضو سازمان و یا گروه آنان بود و یا در شرایط فعلی بخواهند حتما با این گروهها و سازمانها همکاری نمایند. ما با نمونه‌های بیشماری در این زمینه روبرو بوده ایم که اتفاق افتاده که افرادی تنها بوی کس در یاری نا آشنا با مسائل و مشکلات مختلف روبرو بوده و هنگامیکه برای گرفتن راهنمایی در بعضی از زمینه‌ها روبرو به سوی برخی از گروههای اپوزیسیون آوردند باین اعتنایی و عدم مدلسوژی و... از جانب آنان مواجه گشته‌اند و از زبان حال ایسین پناهندگان بارها شنیدیم که گفته‌اند: "دلسوژی برخی از خارجی‌هایی که چندان ادعایی هم ندارند کجا و ادعاهای احساس مسئولیت‌های اپوزیسیون کجا!

از یکطرف وجود این روابط و همچنین گروه‌گرائی‌ها، باندبازیه‌ها و انحصارگریها و از طرف دیگر سردرگمی‌های شسندید ایدئولوژیک در بین برخی از گروههای

درون اپوزیسیون باعث گردید به جای مبارزه با دشمن اصلی یعنی رژیم خمینی به خنثی نمودن یکدیگر بپردازند. و انبوه مسائل و مشکلات موجود باعث ایجاد دلسردی، یاس و ناامیدی در بین بسیاری از پناهندگان ایرانی شده است. البته رژیم جمهوری اسلامی نیز از این مسائل نهایت درجه استفادهرانموده است.

نمونه‌ای از بهره‌برداریهای رژیم

روزنامه جمهوری اسلامی، ارگان حزب جمهوری اسلامی (در تاریخ اول دی ۶۳)، با بیان یکسری ترفندها و تحریف نمودن حقایق از "زندگی نکبت بار ضد انقلابیون فراری در پاریس" سخن رانده و ادعا نمود: "تصاویری که ضد انقلابیون فراری از وضعیت آتی خود در پاریس و فرانسه داشته‌اند، آیند‌های پرازشادمانی و رفاه‌مکانی که در آن میتوان هرزگی کرد و هراس از کسی هم نباشد و... بود." و چنین نتیجه‌گیری میکند که "ضد انقلابیون فراری" در عمل با عکس این واقعیات روبرو شده‌اند.

تحلیل‌های دروغین رژیم و تهمتهای و افتراهای که پناهندگان سیاسی نسبت میدهند، البته برای هیچکس نازکی ندارد. درست است که گروهی از پناهندگان با ناامیدی و یاس نسبت به برخی از مواضع و عملکردهای نیروهای درون اپوزیسیون مینگرند و همچنین با مشکلات فراوانی مواجه میباشند، اما پناهندگان سیاسی زیستن در شرایط آزاد خارج از کشور را علی‌رغم تمام مشکلات و شرایط سخت موجود برزندگی در محیط خفقان‌آور ایران و یا همکاری با رژیم جنایتکار خمینی ترجیح میدهند و اکثریت هموطنان پناهندند به بعثت" رفاه مکانی" و "خوشگذرانی" ایران را تشریح نمودند، بلکه شرایط وجود تحمل‌ناپذیر ایران باعث این امر گردیده است.

رژیم جمهوری اسلامی در طی این مدت بارها با توسل جستن به شگردهای مختلف تلاش کرد تا بتواند ایرانیان خارج از کشور را بسوی خود جلب کند و به ایران بازگرداند. اما ماهیت رژیم برهنگان آشکار میباشند و بدین جهت توطئه‌هایش نقش بر آب گشته است. نمونه‌ای از این توطئه‌ها را میتوان در رابطه با دعوت به بازگشت افراد متخصص به کشور و یا دعوت از دانشجویان و فراخواندن آنان به ایران برای همکاری با رژیم ذکر کرد. اما با تمام کوششهای رژیم، بسارها از بسیاری از هموطنان داخل کشور شنیده میشود که: اگر توانایی آمدن به خارج را داشتند، چنین میکردند و حاضرند بهر ترتیب شد محیط اختناق آمیز را ترک نمایند.

عدم تشکل صحیح پناهندگان

متاسفانه باید اعتراف نمود که پناهندگان ایرانی در جهان جز معدود پناهندگانی میباشند که بین آنان تشکل و همبستگی واقعی و صحیح وجود ندارد. در صورتیکه اکثر پناهندگان کشورهای دیگر نه تنها دارای کانون مستقل میباشند بلکه از تشکلهای صنفی و سیاسی نیز برخوردار هستند. اما پناهندگان ایرانی با کمبودها و مشکلات فراوانی در این زمینه روبرو هستند و عملاً تاکنون نتوانسته‌اند با تشکل و اتحاد به حل مشکلات عدیده خویش بپردازند. اما چه باید کرد؟ آیا باید ناامید و مایوس گشت؟ یا نسبت به مشکلات موجود بی‌تفاوت شد؟ یا صرفاً برای رفع احتیاجات مالی به روابط غیر مکرانیک برخی از گروهها و سازمانهای اپوزیسیون گردن نهاد؟ یا به علت عدم اعتماد و یاس و ناامیدی را با بازگشت به ایران راد پیش گرفت؟ و یا در جستجوی



شعر

هر کسی از رنگ گفتاری بد بین ره کی رسد / در د باید مرد سوزومرد باید گام زن
 سالها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب / لعل گرد د د رید خشان بیعقیق انفریم
 ماهها باید که تا یک پنبه د نه ز آفتاب / زاهدی را خر قه گرد د یا حماری را رسن
 عمرها باید که تا یک کود کی از روی طبع / عالی گرد د نکو ، یا شاعری شیرین سخن
 "سنایی"

وگفتی...

به نالت میگشتم / میهنه را باقی گذارد هام
 ترا ، یافتم / وگفتی . . .
 در غربت ! / کتون فرارسیده
 فشاندی ز دیده / آن آزمایش بزرگ
 دانه اشکی / که ، کیست مرد راه
 وگفتی . . . / راه پرتلاطم ، سخت د راز
 نام ؟ ایران ! / نیست جایی
 عشقم ؟ ایران / برای زمزمه های کود گانه
 خانها م ؟ ایران / همه باید یکی شویم
 روحم ؟ ایران / بد ورا ز نیرنگهای اهریمنی دشمنان
 آه . . . میشناسی مرا ؟ / ورخنه های پلید شان
 وگفتی . . . / آری آن آزمایش بزرگ
 گریه یاران را دیده ای ، هنگام فراق ؟ / فرارسید هاست .
 دلهای بی تب و تاب متلاطمرا ! / وگفتی . . .
 ومن . . . / اتحاد مان . . . !
 قلبم ؟ / و آتش مبارزمی امان
 عشقم ، / که خواهیم گذشت از میان آن
 روحم ، / همچون سیاوش پرتوان !
 خانها م ، / همچون سیاوش پرتوان !
 "محروق" پاریس ۸۲/۳/۲۴

بقیه پیرامون وضع پناهندگان . . .
 راه حلهای واقع بینانه و صحیح برای حل
 مشکلات کنونی اقدام کرد ؟

راه حل صحیح چیست ؟

در چنین موقعیت و شرایط حساسی
 ایجاد کانونی - بوسیله خود پناهندگان
 سیاسی - که بتواند در جهت همبستگی و
 اتحاد بین پناهندگان قدم برداشته و
 همچنین برای بهبود مشکلات صنفی و
 سیاسی آنان تلاش و کوشش نماید ، بیش از
 هر زمان دیگری احساس میشود . برای
 ایجاد این کانون که متعلق به دسته و گروه
 خاصی نباشد و از نظر سیاسی مستقل عمل
 نماید ، نقش پناهندگان سیاسی در درجه
 اول اهمیت قرار دارد . زیرا به قول معروف :
 " در د هم در د که اند هم در د " . وجود
 در د های مشترک میبایست موجب همبستگی
 و اتحاد بیشتر در بین پناهندگان شود .
 هیچ فرد و نیروی بهتر از خود
 پناهندگان نمیتواند مسائل و مشکلات آنان
 را حل نماید . پناهندگان سیاسی میبایست
 همبستگی و اتحاد خود را مستحکم سازند و
 با ایجاد کانونی مستقل برای حل مشکلات
 خود اقدام نمایند . در غیر این صورت به امید
 اینکه دستی از غیب بر آید و مشکلات آنان را
 برطرف نماید ، در د ی را در مان نمیکند .
 واقعیات بیشمار در ز این مدت نشان داده
 که بایستی تفاوتی و با با اتکا به نیروی دیگران
 مشکلات حل نگردد هاست . پناهندگان
 سیاسی میبایست به نیروی خود متکی باشند
 ضرب العثل معروف " کس نخارد پشت من
 جز ناخن انگشت من " در این مورد نیز
 صدق میکند . بنابراین تنها راه حل عملی
 ایجاد کانونی بوسیله پناهندگان سیاسی
 است . هنگامی که چنین کانونی بوجود آید و
 پناهندگان خود بطور مستقل از تمسک
 سازمانها و گروهها و دستهبندیها گرد هم
 آیند ، میتوانند بیاری هم شتافته و در جهت
 رفع مشکلات اقدام کنند .

هموطنان عزیز پناهند ه :

برای تبادل نظر و چاره جویی گرد هم آیند .
 این اولین قدم میتواند بوسیله تمسک در
 معدودی از افراد مضموم و علاقمند برداشته
 شود . در استان عزیز پناهند ه برای مانا مه
 بنویسید و ما را از نظرات و
 پیشنهادات خود مطلع کنید . در
 رابطه با مشکلات پناهندگان سیاسی
 گفتگویی نیز بایستی از هموطنان پناهنده
 داشته ایم که در شمار بعد به درج آن خواهیم
 پرداخت . به امید آنکه در د های چون
 " آوارگی و دوری از وطن " هر چه زود تر به
 پایان رسد و در آیند های روشن همگی در
 ایرانی آباد ، آزاد و د مکر اتیک سرنگونی
 رژیم خمینی را جشن بگیریم . □
 س - بزرگمهر

روی سخن ما بسوی تمام آن پناهندگان
 سیاسی میباشد که مانند بسیاری از دستان
 مالزوم این تشکل را کمالا احساس میکنند .
 بسیاری از دستان پناهند ه که د ار ای
 تجربیات گوناگون میباشند و هر کدام
 با مشکلات و مسائل خاصی روبرو بوده ،
 بطور منفرد و پراکنده بسر میبرند . باید از
 این تجربیات استفاده کرد و به ایجساد
 کانون پناهندگان سیاسی اقدام نمایند .
 ایجاد این کانون بایک جلسه عمومی یا
 یک گرد همائی امکان پذیر نیست . باید آن
 افراد علاقمند و اطلب پناهند ه که مایل
 به ایجاد چنین کانونی هستند هر چه زود تر

ایران

در ماهی که گذشت

اختلافات در حزب جمهوری اسلامی يك واقعیت است

هاشمی رفسنجانی در دیدار با روحانیون عضو حزب جمهوری اسلامی به اختلافات در درون حزب اعتراف نموده و گفت: " این اختلافات يك واقعیت است فعلا بیشترین آن میان کسانی است که معتقد به دلتی کردن کارها هستند و کسانی که معتقدند با دلتی کردن کارها ضروری کنیم و انگیزه ها کشته میشود البته این د و جریان هرد و مسلماً و مخلص هستند و هیچکدام هم ضد اسلام نیستند. " (۸ دی ۶۳ جمهوری اسلامی)

اختلافات موجود در درون حزب و دلتی جمهوری اسلامی موضوع تازه ای نیست بلکه از همان لحظه روی کار آمدن رژیم این اختلافات وجود داشته است در حقیقت چون به قدرت رسیدن رژیم از مجرای يك مبارزه دلتی و آزادیخواها عبور نکرد و بیرون نیامده ، وجود این اختلافات در درون دلت بسیار طبیعی باید تلقی گردد . در طی ۶ سال گذشته اختلاف نظر ها د ارای نوسانات گوناگونی بود که گاهی اوقات بصورت بسیار حادی مانند اشغال سفارت آمریکا ، سقوط دلتی بزرگان ، جنگ ایران و عراق ، برکاری بسناری ازوزرا و . . . بروز کرد و گاهی در بسیاری از موارد د دیگری که منافع د و جناح ایجاب میکرد و تخفیف یافته است .

البته وجود اختلافات آشتی ناپذیر در بین جناحهای داخلی ، رهبران رژیم کوشش میکنند تا آنجا که ممکن است این

اختلافات را کم اهمیت جلوه داد و آنها را بیوشانند . منتظری ترس خود را از این اختلافات چنین بیان میکند :

" من از این خط بازبها که یکی رابسه خط يك و دیگری رابسه خط ۳ و یا خط این و آن منسوب میکنند ، احساس خطر میکنم و این خط کشیها به ضرر انقلاب و اسلام است و باید د ور ریخته شود . "

(جمهوری اسلامی ۱۶ دی ۱۳۶۳)

اما به تصویب نرسیدن بسیاری از لایحه های مهم دلتی د روابطها اقتصاد کشاورزی ، جنگ ایران و عراق در این مدت بخوبی نشان میدهد که د غالب موارد مهم جناحهای د رونی رژیم نمیتوانند اختلافات خود را حل نمایند .

تضاد در کمیته امور صنعتی

بد نیال اعلام غیر قانونی شدن کمیته امور صنعتی و تشکیل شوراهای مرکزی اصناف توسط وزارت بازرگانی اختلافات موجود د ر آنجا حاد تر گشته و مسئولین قبلی کمیته مذکور د تهران حاضر به خالی کردن میدان برای رقیبان خود و تحویل امور به آنان نشد هاند . د ر این رابطه اخیرا وزارت بازرگانی اطلاعاتی صادر نمسود و در آن ضمن اعلام غیر قانونی شدن کمیته امور صنعتی ، سرپرستان قبلی را تهدید کرد که د ر صورت ادامه معطلشان آنها را تحت پیگرد قانونی قرار خواهد داد . د ر قسمتی از اطلاعاتی آورد میشود : " د ر شهر تهران

. . . به حکم ستان از وزیرای جمهوری اسلامی هیاتی د ر تاریخ ۲ / ۷ / ۶۳ به سرپرستی قانونی این کمیته منصوب میگردد . با کمال تعجب شاهد هگردید که افراد سابق نهتنها از تحویل کمیته موقت به افراد قانونی جدید خود داری نمودند بلکه تا تاریخ صد و راین اطلاعیه مصرانه د ریودن خویش د ر این کمیته و استفاد غیر قانونی از امکانات آن ادامه دادند . " (کیهان ۱ / ۸ / ۶۳)

بدین ترتیب می بینیم که چگونه د ر جنگ قدرت جناح غالب د ر حاکمیت ، رقیب شکست خورد و از تک تارگانها بیرون میراند . غیر قانونی شدن کمیته امور صنعتی یکی از آخرین آنهاست .

يك سفر سیاسی!

حسین شیخ الاسلام معاون سیاسی وزارت امور خارجه رژیم د ر راس يك هیات سیاسی بعد از ظهر روز جمعه (۲۱ دی ماه) قصد يك دیدار ۲ روزه از کشورهای سوریه ، لیبی ، الجزایر و جمهوری یم د مکراتیک عازم این کشورها شد . بر طبق گزارش مطبوعات رژیم جمهوری اسلامی معاون سیاسی وزارت امور خارجه هدف از این سفر را مذکرها مقامات وزارت امور خارجه این کشورها پیرامون اوضاع خاص منطقه و تهاجمات اخیر قدرتها " استکباری " اعلام کرد .

وی همچنین حامل پیامهای از سوی دکترو لاتی برای وزیر امور خارجه سوریه ،

بقیه ایران، در ماهی که...

عبد السلام التریکی دبیر کمیته روابط خارجی لیبی، احمد طالب ابراهیمی وزیر امور خارجه الجزایر و کتر عبد العزیز عبد لسی وزیر امور خارجه جمهوری یمن در مکتباتیک بود. طبق آخرین گزارشها سرگرد جلود عضو شورای رهبری لیبی در دیدار با شیخ - الاسلام بارد یگر حمایت کامل لیبی را از ایران در قبال جنگ ایران و عراق اعلام کرد.

در ادامه "اسلامی کردن" دانشگاهها

بعد از گذشت دو سال و نوسدی از "بازگشایی" دانشگاهها شاهد هستیم که به علت وجود ارگانهای مختلف در دانشگاهها و در حالت آنان در امر مد بیریت، اداره دانشگاهها از یک مرکز تصمیم گیری و انسجام برخوردار نبود و این مسئله یکی از علل بروز اختلافات در آن شده که در چند ماه اخیر عیانتر گردیده است. از یک طرف نظر انجمنهای اسلامی و جهاد دانشگاهی قرار دارد که خواهان اسلامی کردن دانشگاههاست و در طی این مدت بازها مد بیریت رابه "لیبرالیسم"، مخالف تعهد و اینکه آنان تحت پوشش نیاز به تخصص قصد حاکمیت برد دانشگاهها را دارند متهم کرده اند. وعده های از اعضای "شورای انقلاب فرهنگی" نیز با آنان هم نظر میباشند. از جمله موسسوی خانه های در نماز جمعه روز ۷ دی ۶۳ در رابطه با برنامه های "شورا" میگوید: "برنامه مشورا در درجه اول عبارت است از اسلامی کردن دانشگاههاست. یعنی دانشگاهها باید از لحاظ فضای تفکر و اخلاق اسلامی بشوند، از لحاظ دروس اسلامی بشوند، کتابها اسلامی بشوند، اهداف اسلامی در برنامه ریزی و رسها تاثیر داشته باشند، اساتید باید در جهت اسلامی حرکت

کنند و دانشجویان باید برای آیند اسلام خیره های گرانبهای بشوند". از طرف دیگر نظر مد بیریت دانشگاه قرار دارد که بارها به در حالت نهاد های موجود در دانشگاهها یعنی انجمنهای اسلامی و جهاد دانشگاهی در امر مد بیریت اعتراض نموده و میخواهد آنان در چهارچوب وظایفی که مد بیریت برایشان محول میکند، به فعالیت خود ادامه دهند. همچنین مد بیریت دانشگاه مخالفت خود را با نحوه کار اداره "گزینش" و "گروه تحقیق" و "بذیرش" و همچنین کنترل رفت و آمد استادان که تحت نظر نهاد های فوق فعالیت داشته و صورت میگیرد، ابراز میکند. در عین حال کمبود کارآموزشی یکی از مشکلات عمده دانشگاهها میباشد که بنا بر اعتراف خود مسئولین به ۱ قبل از برآورد اختن غائله "انقلاب فرهنگی" ۳ بسته شدن دانشگاهها تقلیل یافته است. می بینیم وجود اینکه منافع هر دو گروه به حیات رژیم وابسته است ولی هر کدام برای منافع و اهداف خاص خود تلاش کرده و بدین ترتیب حاضر به مصالحه با یکدیگر نیستند و مشکلات دانشگاهها و لا ینحل ماندن وضع آنان مانند بسیاری از موارد دیگر از سیاستهای ضد مردمی رژیم ناشی میگردد.

اختیارات ولی امر

سلطانی نمایند دارند استان اختیارات ولی امر را چنین بیان میکند: "ولی امر میتواند مال بیعت کند و را بگیرد، فرزندش را به جنبه بفرستد و هرکاری که احتیاج به تصرف در مال و نفس دارد به موجب بیعت میتواند بکند". و رفیق دست نیز در این زمینه چنین میگوید: "اگر امروز ما م فتواد اد که همه بازرگانی باید د ولتسو باشد ما پرچم را بلند می کنیم و گوئیم د ولتی خوب

است. چون فقه میگوید و اگر فردا گفتند همه بازرگانی را ببخش خصوصی بد هید، باز پرچم را بر میداریم و میگوئیم این خوب است و خود مان در مورد مسائل که ریشه فقهی دارد حق نداریم که اظهار نظر کنیم و همه آنهایی را که منهای مراجعه فقه اظهار نظر میکنند، آنها را در راه صواب نمی بینیم." (جمهوری اسلامی ۱۰ دی ۶۳)

گزینش یا دادگاه؟

قاسم مهرزاد صدقیانی نمایند مسلمان در مجلس رژیم در رابطه با گزینش دانشجویان دانشگاهها گفت: "الان گزینشها تبدیل به دادگاهی شده اند که متهم حق حضور و دفاع در آن را ندارد و سرانجام اتهام و جرم وی نیز معین و مشخص نمیشود، فقط حکمی صادر میگردد که صلاحیت تحصیل در دانشگاه را ندارد".

(اطلاعات ۵ دی ۱۳۶۳)

صدها سال گرسنگی!

مشکینی رئیس مجلس خبرگان رژیم اسلامی در دیدار با جمعی از مردم و گروهها از نهادها و ارگانهای رژیم جمهوری اسلامی در قم گفت: "برادران و خواهران از کمبودها ناراحت نشوید. بدانید چیزی را که بدست آوردیم اگر صدها صد سال همان برای خوردن پیدا نکنیم، ارزش ندارد." (کیهان ۹ دی ۱۳۶۳)



با ما با آدرس زیر مکاتبه نمایید:

SAYADI
B.P. 211
92220 BAGNEUX
CEDEX, FRANCE

نگاهی بر مطبوعات خارج از کشور

اتحاد پیشمرگان حزب دمکرات و کومه له در سنگر آزادی

بر طبق بولتن، خبری کردستان ایران (شماره ۹۹)، از انتشارات حزب دمکرات کردستان ایران در اروپا، در نبرد های حماسه آفرین پیشمرگان در نیروی عمدتاً مبارز در کردستان، یعنی حزب دمکرات کردستان و کومه له در مقابل دشمن اصلی مردم ایران یعنی رژیم جمهوری اسلامی به یاری هم شتافته و قهرمانانه از سنگر آزادی دفاع کردند. راین خبر آمد است: "۳۳ دی (۱۳/۱۳) نیروهای جمهوری اسلامی خمینی، روستاهای بوزه و برد همیشه را مورد حمله قرار دادند. پایگاه های پیشمرگان حزب دمکرات و کومه له که در روستای برد همیشه بودند به محاصره مزدوران درآمد. پیشمرگان هر دو نیرو، قهرمانانه از سنگر آزادی خود دفاع پرداختند. حین درگیری عدای از پیشمرگان حزب به یاری همسنگران نشان که به محاصره دشمن افتاده بود شتافتند. طی یک نبرد حماسی، پیشمرگان توانستند ارتفاعات این روستا را از مهاجمین باز پس بگیرند و آنان را وارد عقب نشینی سازند. . . . متأسفانه در این درگیری تا برابر یک پیشمرگ کومه له و یک روستایی بی دفاع نامکاک احمد خانمی شهادت رسیدند. چندین خانه مسکونی نیز بر اثر توپ باران ویران گردید. " خبر پیروزی پیشمرگان در روستاهای بوزه و برد همیشه، برای کلیه آزاد خواهان ایران بسیار مسرتبخش می باشد. مسرت بخش باین دلیل که این پیروزی در اثر اتحاد و همبستگی عملی پیشمرگان در روستای فوق بدست آمد است. این امر نشان میدهد هرگاه پیشمرگان حزب دمکرات و کومه له تفنگ های خود را بر علیه

دشمن اصلی و مشترک نشان روند، خواهی نخواهی اختلافات غیر عمد و فرعی هرگز اجازه نمی دهد که همبستگی همسنگران و مبارزین قهرمان کرد بختر افتد. در عین حال این پیروزی نشانگر قدرت و نیروی است که در اثر اتحاد می تواند بوجود آید. ما آرزو میکنیم که رهبران و پیشمرگان کردستان قهرمان در راه همبستگی و اتحاد هر چه بیشتر بر علیه رژیم جمهوری اسلامی در راه آزادی و دمکراسی موفق و پیروز باشند.

یک اندرز دلسوزانه

"نامه آزاد خواهان" نشریه هما هنگ کنند جمهوری خواهان ملی ایران در شماره دوم خود نامه ای از آقای جمالزاده نویسنده گه سال و نامداری ایرانی را درج نمود که حاوی نکات آموزنده و ارزنده ای برای تمام نویسندگان و روشنفکران ایران در مبارزه برای دمکراسی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. در ذیل قسمتهایی از نامه ایشان آورده میشود:

"کلام خوب بهتر است کوتاه و درسا باشد. . . . ما نباید تصور کنیم که چون فلان موضوع کم اهمیت برای خودمان حائز اهمیت بسیار است (به علت کیفیات شخصی) همه مردم و تمام خوانندگان به چنین موضوعی همانقدر اهمیت میدهند که ما میدهیم، بلکه باید بکوشیم که مطلب را شستهو پخته (و عبارات ساده روان که ما مهب آسانی بفهمند) به دست مردم بپرسانیم. . . . ما همه خوب میدانیم که اکثریت هموطنان مظلوم و محروم و مستمندید، ما که قرنهای دست و پای

بزرگان ستمگر را بوسیدند و خاک پای آنها را سرمه چشم بیمار خود قرار دادند، قبل از خیلی چیزها امروز تشنه گرسنه آب و نان و خواندن و نظافت و حمام و قبرستان و مره شوخانه و با پوش و پیراهن و قد روی عدالت و انصاف و ترحم هستند و بیم آن میرود که در آینده هم (اگر این مرد مبه همین حال باقی بمانند) نان جو و پنیر و ماست و پیاز و جعفر و یک پیراهن چلوار و یک تنبان بنفشه نارکریاس و چند مثال و او در مان را بر خیلی چیزها در همان بپرکن. کبرزبانهای ما آزاد یخواهان آگاه جاری است و حاضریم جان را در راه به دست آوردن آن فداسازیم. ترجیح میدهند ولی افسوس که در آن مقاله های ورود راز و مستند و راسیونل مدام زهد فهای بس عالی و گراند رسخن در میان است. . . . خدا را شکر ملت ایران با وجود تهیدستی و آن همه بینوائی، هر چند در طول تاریخ در سه هزار ساله همیشه معامله های با او (عموماً با استثنای کمی) کرد هاند که حتی باگا و گوسفند نمی کنند، ولی ذاتا گاو نیست و خیلی چیزها را میفهمد و یا میتواند بفهمد، به شرطی که با دلسوزی به گوشش بخوانند و قدری با انسانیت و عطف وقت با او رفتار کنند. ولی میترسم با این همه مقاله و نطق و خطابه و گرد هم نشینی و گفت و شنود و کنفرانس و تینگ و کنگره و سمینار و اسامی لاتعد و لاتحصا در یگر آیم آن نمی رود؟ (که با زیلکبار دیگر به مقصود نرسیم و در ترکستان سرد ریاوریم و باز، وقتی چشممان باز میشود، با یک نیا ناسف و پیشمانی، بسیاری صافانه، ببینیم حرف ز یاد زد هایم و صغرا و کبر از یاد چید ه ایم و به مقصود زیاد نزد یک نشد هایم و بدون آشنائی کافی و هنر شناری، خود را در آب انداخته ایم.

معرفی کتاب

نمایشنامه "مرد هها" بقلم جلیل محمد قلی زاد هه اخیرا بوسیله مورخ محترم خانم هما ناطق باقری برگردانده شد هاست. این نمایشنامه رسال ۱۹۱۰ در تبریز به زبان آذربایجانی نگارش یافته و در همان زمان نویسنده به روشنی از نقش مذهب در سیاست و اجتماع بعنوان یک وسیله استعماری و عوام فریبانه پرده برداشته است.

خانم هما ناطق در مقدمه کتاب با آوردن قسمتهایی از نشریه فکاهی "ملانصرالدین" از قول جلیل محمد قلی زاد هه مینویسد: "من میترسم در آینه نه چندان دور، در طی چهل سال، چشمگشاید و ببینید هشتصد مایکجا خلق شده، همهرشته امور مملکت را به دست گرفته، شما را به "مان خدا" و "افسار تان را به دست بیگانگان" سپرد هاند. (ملانصرالدین شماره ۲۵، ۱۹۰۸) ... اینک میگویند فلان ملا مستبد و آن دیگری مشروطه خواه هاست، سخنی است بی محتوا، ملاست و مذهب، مذهب است. آن افرادی هم که میخواهند میان ملایان اختلاف و تفاوت قایل شوند، خودشان، نمیدانند تفاوت در کجاست حاصل تعلیمات مذهبی جز جهل و وماندگی نیست...." (ص ۱۱۶) و در پایان نمایشنامه "مرد هها" از قول اسکندر روشنفکر فرنگ رفته بیان میشود که: "... نگاه کنید، خوب نگاه کنید، با دقت نگاه کنید، توی کتاب تاریخ شما این صفحه را با خون خواهند نوشت. بعد از شما دیگران این کتاب را ورق خواهند زد و قتی به این صفحه میرسند، یاد شما خواهند افتاد و خواهند گفت: تف به روی شما! ... اسم شما هارو چی میشه گذاشت؟ من کوهها، سنگها، مرغها، ماهها و ستاره هارو شاهد میگیرم و این در ختربچه هارو بهشون نشون میدم و میپرسم: اسم این جماعت رو چی باید گذاشت؟ همشون با هم جواب خواهند داد مرد هها ..." ص ۹۵ و ۹۶.

پیش بینی نویسنده نمایشنامه "مرد هها" اشتباه از آب در

بقیه نگاه بر مطبوعات ...



نیامد. تنها به جای "چهل سال" ۷۰ سال وقت میخواست تا یک حکومت مذهبی بر ایران مسلط گردد. تفاوت تنها در اینجاست که روشنفکران نمایشنامه سال ۱۹۱۰ به تنهایی در مقابل مرد منا آگاه از همان ابتدا مبارزه با عوام فریبان مذهبی و خرافاتی میبردند، در حالیکه در سال ۱۹۷۹ یعنی ۷۰ سال بعد روشنفکران "متعهد" و "پیشروی" ما همراه با مرد فریب خورده بد نیال مردی بی خرد و متعصب برای ایجاد جمهوری اسلامی بر اه افتادند و همصد شدند.

ما خواندن این نمایشنامه را رزش را به همگان توصیه میکنیم □

مجاهدین و گروگانگیری

نشریه مجاهد شماره ۲۳۱ (۱۰/۲۰/۶۳) در مقاله ای تحت عنوان "در ادگاه هه چه میگردد" در رابطه با جرای گروگان-

گیری چنین نوشته است:

"... همه میدانند که هدف خمینی در حال از راه اندازی این جریان - که آنرا انقلاب و مبرزگتر از انقلاب اول نامگذاری کرد (!) - اساسا حذف نیروهای انقلابی از

صحنه، حل تضاد های درونی هیئت حاکمه بنفع جناح ارتجاعی و گام برداشتن در جهت ایجاد دیکتاتوری مطلق العنان در کشور بود.... اما نیروهای انقلابی و در بقیه در صفحه ۲

نگاهی پرواقتیبت

اعضای اتحادیه صادرکنندگان خشکبار ایران علت این مسئله را بالا رفتن هزینه زندگی باغد امروز می دانند که این امر باعث میشود هر تن کشمش برای صادرکننده حدود ۲۳۰۰ دلار تمام شود اما در بازارهای بین‌المللی بعلمت تفاوت قیمت داخلی و خارجی صادرکننده مجبور میشود هر تن را در حدود ۱۰۰۰ دلار بفروشد و حتی کشوری مانند ترکیه با تخفیف دادن ۱۰۰ تا ۲۰۰ دلار در هر تن کشمش قیمت ایران را می شکند. چنین وضعی در مورد سایر صادرات کشاورزی ایران نیز صادق است. نمونه دیگر صادرات پنبه است که بنا بر اظهارات مسئولین مربوطه از حدود ۲ سال پیش تا کنون صادرات آن به خارج انجام نشده است. در این مورد در کیهان ۶ مرداد ۱۳۶۳ چنین آمده است: "میزان تولید پنبه در سال ۱۳۵۸ در حدود ۹۹ هزار تن بود که در سال ۵۹ به ۶۶ هزار تن تقلیل یافته است در حالی که تولید پنبه در سال ۱۳۵۳ بالغ بر

۲۳۷ هزار تن بود است... توقف صد و پنبه نه تنها کشورمان را از یک درآمد ارزی حدود ۲۰۰ میلیون دلار محروم میکند، بلکه وابستگی صنایع نساجی کشور را به مواد اولیه خارجی افزایش میدهد." (تاکید آزماست)

همانطور که مشاهده میشود تورم بیش از اندازه و بالا رفتن سرسام آور هزینه‌ها باعث شده است که صادرات غیر نفتی ایران در سطح جهانی قادر به رقابت نباشد. مقامات رژیم برای "حل" این مشکل "پیشنهاداتی" را عرضه کرده اند. "واردات کالا بدون انتقال ارز" یکی از این پیشنهادات است و به این معنی است که صادرکنندگان داخلی در مقابل ارز صادراتی میتوانند کالاها را مورد نیاز خود را مانند مواد اولیه، قطعات یدکی و ماشین آلات وارد نمایند. اما به علت اختلاف قیمت‌ها در سطح داخلی و خارجی برای صادرکنندگان این طریق صرف نمیکند. علی نقی خاموش رئیس اتاق بازرگانی رژیم را اعتراض به تصویب نامه اخیر دولت

در این مورد توضیح میدهد که از طریق واردات کالا بدون انتقال ارز صادرکننده در مقابل واردات فقط از ۸۰ تا ۱۰ درصد سود ریالی استفاد میکند در صورتیکه قیمت کالاهای صادراتی با قیمت‌های عرضه شده در بازار بین‌المللی بین ۱۰ تا ۳۰ درصد تفاوت دارد و جبران خسارت ناشی از این تفاوت قیمت نمیتواند عملی باشد و در نتیجه اتخاذ این شیوه یعنی واردات در مقابل ارز صادراتی هم به نفع صادرکنندگان نمیباشد و با این تفصیلات بی دلیل نیست که بازرگانان تمایل چندانی برای انجام این کار از خود نشان نمیدهند.

بدین ترتیب ملاحظه میشود صادرات غیر نفتی مانند فرش، خشکبار، پنبه و... که زندگی میلیون‌ها تن از هموطنان ما بآن بستگی دارد بعلمت بی لیاقتی و بی کفایتی رهبران رژیم جمهوری اسلامی هر سال در موقعیت بدتری قرار میگیرد و رهبران کشور در ماندن و عا جزا وضع موجود قادر بر حل مشکلات بیشمار نیستند. □

نیلوفر مولوی

جنگ قدرت...

شرایط اضطراری که در ولت در خطر باشد و معتقدند که همین حدود اضطرار هم باید مشخص شود و معین گردد تا با گرفتن چه مقدار مالیات اضطرار تمام میشود و یا اینکه تا چه زمانی این اضطرار از بین میرود. رحیمی یکی از نمایندگان مجلس در این رابطه چنین میگوید: "کجای اسلام اینگونه نظام مالیاتی را تبیین میکند؟ مایک اصل کلی داریم که مال هر کس برای خودش محترم است و بدون مجوز نمیشود مالش را از او گرفت چه کم و چه زیاد و حرمت مال مسلم حرمت دماست و ما این را پذیرفته ایم علمای ما به اینها استدلال میکنند و در رفتن

آنان هم گرفتن مال مردم به این شیوه حرام است." (۲۸ آذر ۶۳ اطلاعات) و بعد خدا این چنین بیان میکند "مالیات وقتی اجحاف آمیز باشد تولید نا رضایتی میکند و وقتی کار و تلاش زیاد مردم سبب افزایش مالیات بردآمدشان میشود انگیزه کار و تلاش را از آنها خواهد گرفت." البته همه میدانند که دل سوزاندن این نمایندگان برای مردم قیقا با خاطر منافع خودشان است و به تنهایی چیزی که فکر نمیکنند بهبود وضع مردم است و در حقیقت جنگ این در جناح جنگ قدرت برای غارت و چپاول هر چه بیشتر مردم است. در حالیکه روابط بخش تجارتنی

بظور دقیق روشن نشده است و سیستم نرخ گذاری و تثبیت و تحکیم قیمت‌ها به هیچ وجه مشخص نیست. صاحبان مشاغل و بخش خصوصی با کشیدن قیمت‌ها بر روی اجناس خود میتوانند با مالیات‌ش را به دوش مردم منتقل نمایند. بر همین مبناست که تصویب این لایحه همیشه از همه بر روی دوش اکثریت مردم ایران فشار آورد و باعث بدبختی و فلاکت بیشتر آنها خواهد شد. □

بهمن خسروی





نامه‌ای از ایران:

از یک هموطن
آواره

نامه‌ای را که ملاحظه می‌کنید از یک هموطن کرد و آواره جنگی ساکن یکی از شهرهای کرد نشین بدستمان رسید که قسمتهایی از آن را به نظر خوانندگان می‌رسانیم.

... عزیزوگرامیم :

... به علت گرفتاری و مشغله زیاد که از "برکات" رژیم می‌باشد و تویخویی از آنها آگاهی، جواب نامه‌ات را با چند روزی تأخیر میدهم... بهر حال از اینک که در نامه‌ات نوشته بودی توانسته‌ای تا اند ازهای بر مشکلات فائق آمد و فعلاً از نظر مسکن و وضع مادی نگرانی چندانی نداری، بسیار خوشحال شدم. درست است که تونیسیز مانند هزاران نفر از هموطنان عزیزمان مجبور به ترک دیار، خانواده، بستگان و دستانت شده‌ای و طبیعتاً شما در دیار غربت با فرهنگ و آداب و رسوم متفاوت با مشکلات فراوانی روبرو هستید ولی خوشا

بحالتان ناراحتیهای روحی و فشاری که بر اثر اختناق حاکم بر مردم راینجا وارد میشود راند داشته و از نعمت آزادی برخوردارید. گرچه انسان در هر کجا باشد ایران و هموطنانش را فراموش نمیکند، ولی از درشنیدن مثل دیدن نمیشود. درآمد ها کم ولی مخارج فوق العاده گران و سرسام آور است. یکی از مهمترین مشکلات مردم که ما همسالان روبرو هستیم، مشکل مسکن است. اجاره بها فوق العاده زیاد و کمر شکن میباشد. برای مثال برای اجاره کردن در واطاق در محله متوسط شهر (اگر بعد از مدت ها زندگی موفق به پیدا کردن آن بشوی) باید حدود صد هزار تومان و گاهی اوقات بیشتر از این مقدار را به مالک پرداخت نمود و علاوه بر این مبلغ باید ماهیانه ۳ الی ۴ هزار تومان اجاره بها بپردازد. مسلماتیه این مقدار پول در این موقعیت که به علت جنگ، گرانی، بیکاری و... بیدار میکند برای اکثر خانوادهاشیکه از درآمد متوسط و یاقینی برخوردارند، میسر نمیشود و بد بختانه کسی به فکر و حال این ملت ستم دید نیست... سردمداران رژیم خود از بهترین امکانات رفاهی زندگی برخوردار بود و از هر لحاظ تا مین میباشند طبق معمول جنگ هم ادامه دارد و اینطور که معلوم است فکر نمیکنیم این جنگ بزودی خاتمه پیدا نماید. چون همین جنگ بهانه‌ای شد برای سرکوب هرگونه مخالفت، اضافه نکردن دستمزدها، کمی درآمد ها، گرانی و... تا می‌خواهی به این وضع اعتراض نمایی میگویند: "جنگ است. در این شرایط اگر شما به فکر مسایل مادی و رفاهی خود باشید، خیانت به انقلاب و اسلام است، شما باید کمبودها و

مشکلات را تحمل کنید. جنگی که ملت ما کم کم دارند می‌فهمند و به آنان ثابت شده است که چرا شروع شد و برای چه ادامه داده میشود. اگر درباره مشکلات و مصائبی که این جنگ برایمان بهارمغان آورد است، برایت بنویسم شوی هفتاد من کاغذ میشود... مطلبی را که درباره ایران - نوراللهی شنیدهای صحت دارد. او هم مانند هزاران جوان کشورمان توسط رژیم شهبید گردید. او که به شغل آموزگاری اشتغال داشت تقریباً یکسال و نیم پیش دستگیر و زندانی شد. از چند ماه پیش به او اجازه میدادند که گاهی به ملاقات خانوادهاش در منزل برود و اخیرتر يك شدن آزادیشی بر سر زبانها بود. چند روز قبل از مرگش به او اجازه دادند که به دیدار خانوادهاش برود و شب را در نزد آنان بسربرد و روز بعد همراه رژیم به زندان بر میگردد. به او میگویند که در روز دیگر آزاد میشود. گویا همان شب در زندان به حمام میرود و موقع بیرون آمدن از حمام روی پله‌های زندان به علت "گاز گرفتگی" نقش بر زمین میشود. ولی همه میدانند که این امر واقعیت ندارد زیرا تا جاییکه من شنیدم اما بحال بر سر چند زندانی سیاسی دیگر همین بلا را آوردند. به آنها گفته میشود تا چند روز دیگر آزادی ولی قبل از آزاد شدن آنها خبر مرگشان را به خانوادهاشان میدهند... در خاتمه موفقیت و پیروزی را برایت آرزومندم. امیدوارم در آینده‌های نزدیک ایرانی آزاد و باره‌همد یگرا ببینیم □

بها مید آنروز

...



نگاهی برواقعیت صادرات غیر نفتی

از سال گذشته تا کنون به علت حملات هوایی عراق در خلیج فارس به محموله های نفتی، صدور نفت به مخاطره افتاده و رژیم ایران در این زمینه با دشواریهایی مواجه گشته است. بطوریکه به تازگی مقامات رژیم به یاد صادرات غیر نفتی افتاده و با تبلیغات و سروصدای زیاد چنین وانمود میکنند که با گسترش صادرات کالاهای سنتی مانند فرش، خشکبار، پنبه و صنایع دستی میتوانند به استقلال اقتصادی و خودکفایی برسند. ولی همگان میدانند که تلاش رژیم در این مورد نیز مانند بسیاری از شمارهای توخالی و فریبندگی یگویی پایه وی اساس است.

جد از جنگ که عمده ترین مسئله است یکی از بزرگترین مشکلات اقتصادی رژیم مسئله تورم فزاینده ای است که بنا به گفته مسئولین مربوطه سالیانهمیش از ۲۰ درصد قلمداد شده که مسلماً از این رقم خیلی بیشتر است. در مورد مسئله تورم همراه با تنزل کیفیت اجناس و رکود صادراتی در سطح جهانی، در ضمیمه اقتصاد اطلاعات ۱۶ دی ۶۳ چنین آمده است: "در حال حاضر تعداد معدودی از کالاهای ایران اعم از صنعتی و کشاورزی در حد استاندارد است و به جرات میتوان گفت که در حد استاندارد ملی نیز نیست چه رسد به استاندارد های بین المللی". همچنین در سلسله مقالاتی در روزهای ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ ماه سال جاری در کیهان تحت عنوان "بررسی وضعیت و مسائل صادراتی غیر نفتی" گزارشی مفصل در مورد کاهش صادرات محصولات کشاورزی و صنایع دستی و وضع اسفبار این کالاها بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی درج

شده است. در همان مقاله به رکود صادرات فرش و دلالیل مختلف آن پرداخته شد و به وجود اینکه فرش در زمان گذشته چندین نوعی و در رقبه بزرگی از صادرات غیر نفتی را تشکیل میداد، اکنون وضعیت بسیار وخیمی را پیدا کرده است. به همین دلیل تولیدکنندگان داخلی فرش متکی به صادرات این کالا بود و اکنون با وضع موجود روز به روز شریک شده ها هزار تولیدکننده فرش، به خصوص بافندگان خرد و ماباه خطر افتاد و مابیکاری فراوانی مواجه شده اند. نگارنده به مطلب علل رکود صادراتی فرش را بالا بودن هزینه تولید و گرانی کالا در بازارهای بین المللی میداند. در ادامه همان مقاله یکی از اعضای اتحادیه صادراتکنندگان فرش عواقب این وضع را چنین بیان میکند: "در رکود صادراتی فرش در سه سال اخیر بازار فرش اثرات نامساعدی داشته است زیرا وقتی صادرات انجام نمیشود دردها و فشارها بافته نمیشود و مردم فرش کهنه خود را بانو عوض نمیکنند و کالا با بازار راکد میشود، در حالی که در سالهای ۵۵ و ۵۶ به علت گرمی بازار صادرات حتی فرشهای پاراهرام صادراتی میگردید و مثال معروفی بود که می گفتند کشورهای اروپایی گورستان فرش ایرانی است". بعلاوه راکد شدن بازار فرش، کیفیت فرش دستباف امروزی هم صدمه دید و به قول آقای سقط چی فرش فروش و ضوابط اتحادیه صادراتکنندگان فرش: "کیفیت پایین آمدن است زیرا در بازار تهران کسانی بودند که در آن واحد... دستگاه قالی بافی داشتند اما این افراد در حال حاضر کار نمیکنند. قبلاً این افراد با تهیه مواد لازم و نظارت بر کار بافندگان، مدیریت خوبی اعمال کرده و

فرش اصیل ایرانی را تولید میکردند اما فرش که خود کارگرید و هیچگونه نظارتی میبافت کیفیت نداشته و قابل رقابت نیست. در بازارهای بین المللی از طرف کشورهای دیگر مانند هند وستان، پاکستان، ترکیه و غیره ایران با رقابت سختی مواجه شده است زیرا فرشهای امروزی ایرانی در مقایسه با فرشهای دستباف کشورهای مذکور ظاهراً تفاوتی ندارند و با وجود اینکه این کشورهای از نقشهای فرش ایرانی تقلید می کنند، در زمینه قالی بافی از اصالت و کیفیت برخوردار نیستند. تنزل صادرات فرش ایران به آلمان که برای سالهای متبادی بزرگترین مرکز صادرات فرشهای ایرانی بود، در سال ۱۹۸۲ از لحاظ کیفیت فرش مقام چهارم را در دست در سال ۱۹۸۳ به مقام نهم تنزل پیدا کرد. در حالیکه هند وستان در سال ۱۹۸۲ اولین مقام صادراتی را در آن کشور احراز کرد. لازم توضیح است که قالیهای ایرانی در طول سالیان دراز در سطح جهانی از اهمیت و شهرت ویژه ای برخوردار بود و همواره در صدر رتبه قرار داشته است ولی اکنون در سایه رژیم جمهوری اسلامی در مدت کوتاهی به چنین وضع اسفباری رسید است.

در صادرات خشکیار نیز مشکلات مشابهی وجود دارد. صادرات خشکیار از قبیل پسته و کشمش و غیره همواره یکی از بزرگترین منابع درآمد ارزی کشور بود و سالیان به طور متوسط ۵۰ الی ۶۰ هزار تن کشمش و پسته به خارج صادر میشد اما از اول ۱۹۸۴ تا آذرماه فقط ۴۰ تن کشمش به خارج صادر شده است. یکی از